

(۱)

## انگیزه های ساختار کشورها

ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است، همان خدایی که در قرآن کریم می فرماید: { وَقُلِ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلَىٰ عَالَمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ } ترجمه: «و بگو: عمل کنید، پس بزودی خداوند و پیامبرش و مؤمنان اعمال شما را خواهند دید، و به زودی به سوی خدای دانای پنهان و آشکار باز گردانده می شوید، پس شما را به آنچه انجام می دادید آگاه می کند»، گواهی می دهم بر این که نیست معبود برحق جز الله واحد و لا شریک، و گواهی می دهم بر این که سردار و پیامبر ما حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم بنده و فرستاده خدا است، همان پیامبری که در حدیثی می فرماید: «اگر قیامت در حالی برپا شود که در دستان یکی از شما نهالی از درخت بوده باشد، طوری که اگر بتواند پیش از قیامت آنرا غرس نماید باید حتما غرس کند»، اللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ وَصَحْبِهِ، وَمَنْ تَبِعَهُمْ بِاِحْسَانٍ اِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ.

اما بعد!

همانا یکی از مبادی اصلی و آموزه های بزرگ اسلام حب و دوست داشتن وطن و دفاع از آن و کار و تلاش برای پیشرفت و تقدم آن می باشد، بزرگترین عزت و شرافت برای یک انسان تنها نسبت داشتن و دلسوزی به وطنش و تلاش جدی برای ساختار و ترقی و نام نیکی آن است، پس در پشت سر هر ملتی که به پیشرفت علمی و فرهنگی دست یافته انسان مخلص و وطن دوستی قرار دارد که قلبهای این ملت را از محبت و وطنشان سرشار می سازد، پس این ملت به طور جدی برای سرمایه که بر بندگان و میهن شان برگردد کار و تلاش نمودند، و مصر عزیزما سزاوار بیشتر از اینها را دارد و باید فرزندانش بخاطر پیشرفت آن بیشتر از این کار و تلاش کنند، چون آن قلب درحال تپش عرب و اسلام می باشد، و آن شمشیر بران و قلعه مستحکم امت اسلامی در

(۲)

برابر تروریسم و چالشهای آن است، پس از همینجاست که دفاع از مصر و کار برای پیشرفت و ترقی آن واجب دینی و میهنی میباشد، زیرا مصر گهواره تمدنها و پایگاه رسالتها است، و این یگانه کشوری است که در قرآن کریم نام آن با امنیت و صلح یکجا ذکر شده است طوری که خداوند متعال به زبان حضرت یوسف علیه سلام می فرماید: {ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ} ترجمه: «همگی به مصر درآید؛ اگر خدا بخواهد در امن و امان خواهید بود».

خدا به صلاح الدین صفدی خیر زیاد دهد چون می فرماید:  
کسی که زمین و همه گوشه و کنار آنرا با انواع و اجناس انسانهای آن دیده باشد

ولی اگر مصر و اهالی آنرا ندیده باشد پس نه دنیا را دیده و نه مردم آنرا.

بدون تردید پیشرفت و آبادانی و ترقی ضامن عزت و کرامت ملت و احترام مردم است، مگر اینکه پیشرفت و ترقی کشورها تنها به گفتن و رویا و آرزو صورت نمی گیرد، بلکه باید کار و تلاش صورت گیرد و فدا کاری و قربانی داده شود، و بر اساسات پیشرفت و تقدم و تمدن چنگ زده شود، مهمترین این اسباب قرار ذیل اند:

درک چالشها: چون درک کردن ارزش وطن و چالشها و خطرهایی که فرا راه پیشرفت آن قرار دارد موضوعی است که تقاضا می کند تا حجم این چالشهای که سر راه ما قرار دارد دانسته شود، زیرا بدون درک چنین چالشها امکان ندارد برای آن راه حل مناسب و موفقی پلان نماییم. بدون شک موضوع درک ارزش وطن و درک مشروعیت ملی حکومت و ضرورت پشتیبانی استقامت آن و کار و تلاش برای ترقی و پیشرفت آن یکی از مهم ترین پایه های ساختار دولت قوی می باشد و یکی از مهمترین پشتوانه های انتمای ملی و حفاظت از ثروت و زیرساخت آن میباشد.

(۳)

همچنین درک اهمیت میهن تقاضا می کند تا مفاهیم اشتباه و خطایی که در ذهن گروه های تروریستی و تندرو وجود دارد را اصلاح نماییم، چون اینها فلسفه خویش را بنا بر اساس تلاشهای ایجاد گروهکها و ضیاع اعتماد میان ملتها و سردمداران و رهبران شان بنا نهاده اند، با آنکه آموزه های ادیان ما را بر احترام حاکم عادل امر می کند، چون پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «همانا احترام مسلمانان بزرگسال، حافظ قرآن و احترام پادشاه عادل از جمله اجلال و بزرگداشت الهی است»، خداوند جل جلاله پادشاه عادل را از جمله هفت نفری قرار داده که در روز قیامت زیر سایه عرش خداوند می باشند، طوری که پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «هفت نفر را خداوند زیر سایه عرش خود قرار می دهد در روزی که جز سایه عرش او هیچ سایه وجود ندارد...» سپس در رأس آنها پادشاه عادل را ذکر می نماید. و از مهمترین بناها و عوامل ساختار و تقدم وطن: فداکاری در راه آن می باشد، چون شهروندی واقعی تنها به بلند کردن شعارات یا به تکرار عبارات نیست، بلکه شهروندی و میهن پرستی نظام زندگی و احساسی است که وطن را در برابر چالش های فرا راه آن پشتیبانی و حمایت می کند، و احساس درد آن و خوشحال شدن به تحقق آرزوهای آن و آمادگی دایمی برای قربانی کردن خود در راه آن می باشد.

دفاع از وطن و حمایت از آن و فداکاری در راه آن از بزرگترین مطالب شرعی و واجب ملی بر هر فردی می باشد که بر سرزمین آن و زیر سایه آسمان آن زندگی می کنند، پس دوست داشتن وطن تنها به شعار و عواطف نیست بلکه باید به عمل و رفتار نیک که برای افراد و مجتمع مفیده است پیاده شود، از همینجاست که فداکاری برای قوی و نیرومند ماندن آن ضروری است، پس انتما به وطن ایجاب می کند تا فرزندان آن به آن افتخار کنند و برای حفاظت آن با هم کار و تلاش نمایند، زیرا استقرار وطن برای تحقق بخشیدن هدف الهی که عبارت از آبادانی جهان

(۴)

هستی و اعلای دین و برپایی شعائر دینی است ضروری پنداشته می شود، جهاد در اسلام تنها برای حفاظت از سرزمین و دفع ظلم و تجاوز از آن است، بنابراین خداوند جایگاه کسانی را بلند برده است که برای دفاع از میهن شان جان خود را از دست می دهند، خداوند می فرماید: {إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ} ترجمه: «بی گمان خداوند از مؤمنان جانهایشان و اموالشان را خریده است، به بهای اینکه بهشت برای آنها باشد، (بدین صورت که): در راه خدا جنگ می کنند، پس می کشند و کشته می شوند، این وعده ی حقی است بر او که در تورات و انجیل و قرآن آمده است».

و مهمترین اساس ساختار کشورها و تمدن ها: انجام کار جدی با دقت است: اسلام ارزش کار را بلند برده آن را یکی از دروازه های عبادت پنداشته است، بلکه آنرا از بزرگترین مراتب عبادت قرار داده است، طوری که پیامبر صلی الله علیه وسلم آنرا جهاد فی سبیل الله توصیف نموده است، از کعب بن عجره رضی الله عنه روایت است که مردی از نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحاب گذشت، اصحاب رضی الله عنهم جدیت و فعالیت آن را پسندیدند، و گفتند: ای رسول خدا! اگر این کار و تلاش در راه خدا می بود؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «اگر به خاطر کسب روزی برای فرزندان صغیر خود برآمده باشد پس او در راه خدا است، اگر برای کسب روزی برای پدر و مادر بزرگ سال خود برآمده باشد در راه خدا است، اگر برای نفس خود برآمده باشد تا از گداگری او را نجات بدهد او در راه خدا است، ولی اگر بخاطر ریا، خودنمایی و فخر فروشی برآمده باشد او در راه شیطان است».

پس دین و میهن هر دو از ما می خواهد تا بیشتر زحمت بکشیم و کار و تلاش و تولید نماییم، خصوصا که دین ما دین کار و تلاش است، خداوند متعال می فرماید: {الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا}

وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ} ترجمه: «(همان) کسی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما نیکوکارتر است، و او پیروزمند بخشنده است»، همچنین در آیات دیگری می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ \* فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ \* وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكَوْكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ} ترجمه: «این کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که در روز جمعه برای نماز اذان گفته شد به سوی (نماز و) ذکر الله بشتابید و خرید و فروش را رها کنید، اگر بدانید این برای شما بهتر است \* پس هنگامی که نماز پایان یافت، (برای کسب رزق و روزی) در زمین پراکنده شوید، و از فضل الله طلب کنید، و الله را بسیار یاد کند تا رستگار شوید \* و (ای پیامبر! برخی از این مردم) هنگامی که تجارتي یا سرگرمی را ببینند به سوی آن پراکنده می شوند و تو را ایستاده (بر منبر) رها می کنند، بگو: آنچه در نزد الله است بهتر از سرگرمی و تجارت است، و خداوند بهترین روزی دهندگان است»، همچنین پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «هیچ کسی طعام بهتری جز از عمل دست خود نخورده است، همانا پیامبر خدا حضرت داود علیه سلام همیشه از عمل دست خود می خورد».

باید تأکید نماییم که دین اسلام ما تنها عمل از ما نمی خواهد بلکه عمل جدی و دقیق می خواهد، چون خداوند متعال می فرماید: ﴿إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا} ترجمه: «همانا ما پاداش نیکو کاران را ضایع نخواهیم کرد» و پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «همانا خداوند دوست دارد هرگاه یکی از شما کاری را انجام می دهد باید آنرا دقیق انجام بدهد».

و برخی از عوامل بنای کشورها و تمدنها: دانش و اراده درست می باشد: چون ساختار نیازمند علم و تجربه و تخصص است، تنها خواهش نیست، هرگاه به قرآن کریم و احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم نگاه کنیم درمیابیم که بر ضرورت ایجاد توانایی، کفایت و امانت داری تأکید می کنند، خداوند متعال به زبان حضرت یوسف علیه سلام می فرماید: {اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ} ترجمه: «مرا بر (سرپرستی) خزاین زمین (مصر) قرار بده، که من نگهدارنده ای آگاهم»، به بر زبان دختر حضرت شعیب در باره حضرت موسی علیه السلام می فرماید: {يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ} ترجمه: «پدر جان! او را اجیر کن، بی تردید بهترین کسی را که می توانی اجیر کنی کسی است که نیرومند امین باشد (و او چنین است)».

پیامبر صلی الله علیه وسلم از سپردن کار به غیر اهلهش گوشزد نموده و خبر داده است که این امر یکی از نشانه های قیامت است، طوری که می فرماید: «هرگاه کار به غیر اهلهش سپرده شد منتظر قیامت باشید»، اهل کار همیشه در هر بخش: توانمند و امانت دار می باشد.

همیشه پیامبر صلی الله علیه وسلم یاران و موظفین خود را به اساس دانش و توانایی بر انجام وظایف می گمارید، اصلاً هیچ کسی را بر اساس خوشرفتاری، نزدیکی یا دوستی مقرر نمی کرد، چون از ابو ذر رضی الله عنه روایت است، می گوید: گفتم ای رسول خدا! آیا مرا بحیث کارمند و موظف تعیین نمی کنی؟ می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم به شانه ام با دست مبارک خود زد و گفت: «ای ابذر تو نا توان هستی، همانا این کارمندی امانت است و در روز رستاخیز رسوایی و پشیمانی است، مگر کسی که بتواند این مسئولیت را به طور واقعی به عهده بگیرد و حق آنرا کما حقّه ادا نماید»، پیامبر صلی الله علیه وسلم به عبد الرحمن بن سمره گفت: «ای عبد الرحمن! امارت و پادشاهی را مطلب، چون اگر امارت برای تو بنا بر اساس خواهش و طلب خودت

(۷)

داده شود تو به آن سپرده می شوی (کسی تو را در امر ادای آن یاری نمی کند)، و اگر بدون درخواست به داده شود حتما در امر ادای آن یاری و همکاری می شوی».

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ.

ستایش مخصوص ذات خدایی است که پروردگار جهانیان است، و گواهی می دهم بر اینکه نیست معبود برحق جز الله یکتا و بی همتا، و گواهی می دهم بر اینکه سردار و پیامبر ما حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم بنده و فرستاده او است، اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَيْهِ، وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ، وَمَنْ تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

برادران مسلمانم!

همانا از بزرگترین عوامل ساختار کشورها و ملتها، بلند نمودن بیرق ارزشهای اخلاقی و رفتاری است، پس هر ملت و تمدنی که در ساختارش اعلاای ارزشهای اخلاقی نبوده باشد این چنین ملت و تمدن عوامل و ابزار سقوط خود را در اصل بنا و ساختار خود حمل می کند، خداوند به این شاعر خیر بیشمار نصیب نماید:

و هرگاه اخلاق ملتی فاسد شد پس بر آنها ماتم و عزا داری برپا نماید. و شاعر دیگری می گوید:

همانا زندگی ملتها وابستهء اخلاق آنهاست پس اگر اخلاق آنها فاسد شد و از بین رتف این ملت از بین می رود.

در واقع اخلاق در اسلام جایگاه بزرگی دارد، پس به همین اخلاق است که مسلمان به درجات عالی ایمان ترقی می کند، و ترازوی اعمال نیک او در روز قیامت با اخلاق گران می شود، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «هیچ چیزی در میزان اعمال نیک انسان مسلمان در روز قیامت از اخلاق نیک کرده ثقیل تر نیست، و خداوند انسان پست بد اخلاق را نفرین می کند»، و زمانی که پیامبر (ص) از عملی پرسیده شده که بیشتر انسان را وارد بهشت می سازد؟ در پاسخ فرمود: «تقوی

(۸)

و ترس از خداوند و اخلاق نیک بیشتر اوقات سبب ورود انسان به بهشت می شود».

پیامبر صلی الله علیه وسلم اخلاق را معیار کمال و نقصان ایمان قرار داده است، چون می فرماید: «کاملترین ایمان از آن کسی است که اخلاق نیکو دارد...»، و در حدیث دیگری می گوید: «در هر جا و مکان از خدا بتر، پس از هر بدی و گناه اعمال نیک و صالح انجام بده تا بدی را محو نماید، و همراه مردم با اخلاق نیک رفتار کن».

پس اخلاق نیک صاحب خود را و او می دارد تا صفات نیک چون مهربانی، محبت نیک با دیگران، تلاش برای منافع مردم و تحقیق منفعت عام برای وطن و شهروندان و دوری از خودخواهی و غرور را کسب نماید، پس دین حنیف ما ب فدا کاری و محبت بخشش بر دیگران استوار است نه بر انتقام جویی و بخیلی و خودخواهی.

و برخی از پایه های ساختار کشورها و تمدنها: عدالت است، پس بنای کشورها بر عدالتی می باشد که میان مردم در حقوق و وجایب شان برابری و مساوات ایجاد می کند، این عدالت امر خداوند متعال در قرآن کریم است، طوری که می فرماید: {إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ} ترجمه: «به راستی خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد، و از فحشا و منکر و ستم نهی می کند، و شما را پند می دهد؛ شاید متذکر شوید»، بزرگان گفته اند: همانا خداوند حکومت و دولت با عدالت را کمک و یاری می کند ولو که کافر باشد، و هیچگاه دولت ظالم را کمک نمی کند اگرچه مسلمان باشد، زیرا اگر واقعا مسلمان باشد هیچگاه به ظلم و نا عدالتی راضی نمی شود، و براساس آن استوار نمی باشد، به همین اساس گفتند: دولتها و حکومتها با کفر و عدالت دوام می کند ولی با اسلام و ظلم دوام نمی آورد؛ چون در این حالت دینداری آن واقعی و به مفهوم حقیقی اسلام نه بلکه شکلی می



(۹)

باشد، زیرا مفاهیم عالی اسلام که بر حق و عدالت استوار است ظلم و ستم و بغاوت را با تمام انواع و اشکال آن رد می کند. پس خدایا برای ما در وطن ما امنیت و آرامش نصیب کن و رهبران و بزرگان امور ما را توفیق عمل نصیب کن، و میهن ما را از مکر دشمنان و فساد مفسدان در حفظ و امان خود بدار.